

# دست‌نوشته‌ی پارسی در ژاپن، سندی که نادیده گرفته شد!

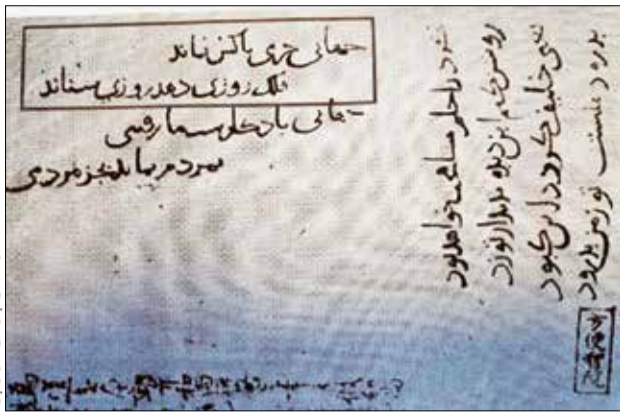
نویسنده فرشید ابراهیمی

جهان یادگارست و ما رفتنی به مردم، نماند به‌جز مردمی این سروده‌ی فردوسی که در دست‌نوشته‌ای کهن سال در ژاپن پیدا شده، بخشی از سندی است که روزگاری نادیده گرفته شده بود و امروز از نخستین اسناد پیوندهای دیرینه‌ی فرهنگی ایران و ژاپن به شمار می‌رود. کیوسه (کِیسی یا کسه) نام راهبی بودایی است که هشتصد سال پیش (سال ۱۲۱۷ م ۵۹۵-۶۱۴ ق) این دست‌نوشته را با خود به ژاپن آورد. «سال ۱۲۱۷ در گوانجو چین با سه بیگانه دیدار کردم و از آن‌ها خواستم که به خط خود (نان بانموجی) چیزی برابم بنویسند، آن‌ها این دست‌خط را نوشتند».

این گفتار را که او در حاشیه‌ی کاغذ نوشته، در حقیقت اشاره به دیداری است که با سه بازرگان ایرانی در بندر کوانزو (چین) داشته و هنگام بدرود، آن‌ها از آن‌ها به‌یادگار گرفته و با این پندار که یک سوترای (سوره‌ی) بودایی است، با خود به نیایشگاه کوسانجی در کیوتو (ژاپن) برده است. او بر آن بود که این دست‌نوشته را به راهب دیگر این دوره، راهب «میوئی»، پیشکش کند، زیرا میوئی بسیار شیفته‌ی زادگاه بودا بود و سال ۱۲۰۳ م (۵۸۱ خ) تصمیم داشت به هند برود، اما به‌سبب سختی و دشواری راه نتوانسته بود سفر خود را انجام دهد.

راهب کیوسه که در سال ۱۱۸۵ م (۵۶۳ خ) در خانواده‌ای سرشناس زاده شده بود، در همان دوره‌ی نوزادی بر اثر اشتباه ناخاسته‌ی دایه، بر زمین افتاد و ستون فقراتش آسیب دید و شکل طبیعی خود را از دست داد. در جوانی خانه را ترک کرد و به معبدی بودایی رفت تا راهب بشود و در ۲۹ سالگی به چین دوره‌ی سونگ<sup>۲</sup> رفت که در این سفر کشتی آن‌ها با توفان و بارانی شدید روبه‌رو شد و دکل کشتی شکست، اما آن‌ها با هرگرفتاری که بود، سرانجام به فوجیان چین (جایی که در آنجا سه ایرانی را بدرود گفت) رسیدند. کیوسه در دو معبد بودایی چین آموزش دید و در بازگشت از آنجا، دفترها و نوشتارهای بودایی بسیاری با خود به ژاپن آورد که در آن میان، برگه‌ای به پهنای ۳۳ سانتیمتر و درازای ۵۰ سانتیمتر دیده می‌شود. همان کاغذی که او در سال ۱۲۱۷ م در گوانزو (بندر زیتون) از سه دوست ایرانی خود به ارمغان آورده بود.

از سویی دیگر هیچ دور از ذهن نیست که سه ایرانی نامبرده، بیش از آنکه ناخدا یا دریانورد باشند، گویا از مهندسانی بودند که برپایه‌ی آگاهی‌ها، در آن زمان در حال سازماندهی ساخت شهرکی در بندر بازرگانی و بین‌المللی گوانجو (بندر



راهب کیوسه در نیایشگاه‌های بودایی چین آموزش دید و در بازگشت از آنجا، دفترها و نوشتارهای بودایی بسیاری با خود به ژاپن آورد که در آن میان، برگه‌ای دیده می‌شود که او در سال ۱۲۱۷ م در گوانزو (بندر زیتون) از سه دوست ایرانی به ارمغان آورده بود. دور از ذهن نیست که سه ایرانی نامبرده، بیش از آنکه بازرگان یا دریانورد باشند، از مهندسانی بودند که در آن زمان در حال سازماندهی ساخت شهرکی در بندر بازرگانی و بین‌المللی گوانجو (بندر زیتون) بسر می‌بردند.

زیتون) بودند که در آن سرزمین به دست ایرانیان ساخته می‌شد.

## دست‌نوشته‌ی پارسی

در سال ۱۹۰۹ م (۱۲۸۷ خ)، برای نخستین بار، پژوهشگر ژاپنی، استاد هاندا، خط و زبان پارسی بر روی این برگه را بازشناسی کرد، اما به درون‌مایه‌ی سروده‌های پارسی پی نبرد. او در روند سخنرانی خود در دانشگاه کیوتو اعلام کرد که این سروده‌ها با بودیسم یا هند پیوندی ندارند و در پی آن این دست‌نوشته‌ی پارسی در فهرست آثار ملی ژاپن جای گرفت (۱۹۵۰ م/۱۳۲۸ خ).

پس از مدتی، به‌ویژه در چند سال گذشته به‌درستی آشکار شده است که سروده‌های پندآموز پارسی این دست‌نوشته از سه سراینده‌ی ایرانی، فخرالدین اسعد گرگانی، فردوسی و سروده‌ای از جامع‌التواریخ (نوشته‌ی خواجه‌رشیدالدین فضل‌الله همدانی است).

چنان‌که گفتیم نخستین بیت از منظومه‌ی «ویس و رامین» (اسعد گرگانی) است که در دست‌نوشته، با خط نستعلیق پارسی آمده و با بیت به‌کاررفته در اصل منظومه اندکی دگرگونی دارد:

جهان خرمی با کس نماند  
فلک روزی دهد، روزی ستاند

کجا شد فریدون و هوشنگ شاه  
که بودند با گنج و تخت و کلاه  
برفتند و ما را سپردند جای  
جهان را چنین است آیین و رای

\*\*\*

سومین سروده، چنانکه گفتیم، یک رباعی از «جامع‌التواریخ» یا همان تاریخ رشیدی، درباره‌ی بدرود بی‌بازگشت و غم‌انگیز ایرج، کوچک‌ترین فرزند فریدون (فرمانروای پیشدادی)، از پدر و رفتن به سوی توران است که از زبان نویسنده‌ی کتاب بازگو شده است:

گر در آلم مُسَاهِلَت خواهد بود  
روشن کنم این دیده به‌دیدار تو زود  
پس (گر) به خلاف گردد این (چرخ)  
کبود

بدرود تو از من و من از تو بدرود  
این سروده همانند دو بیت دیگر که در برگه آمده، نزد پارسی‌زبانان، به‌ویژه دریانوردان، آوازه و رواج داشته و ناخدايان در سفر، آن‌ها را می‌خوانده‌اند. چنان‌که سعدی، شهریار رامهرمزی (دریانورد)<sup>۴</sup> و ابن‌بطوطه نیز از ترانه‌ها و آوازهای دریانوردان ایرانی یادها کرده‌اند.

به‌ویژه سومین سروده که به سبب نداشتن نقطه در متن دست‌نوشته، چندان قابل‌بازخوانی نبوده، از آوازهای پرآوازه و شناخته‌شده‌ای بوده که همانند نیایش و داستان (ضرب‌المثل)، به‌هنگام بدرود، در سفرهای پُرخطر، و در بدرقه‌ی مسافران، چاووشی (آوازهای بدرقه) می‌شده است.

یادداشت‌ها:

۱- نمونه‌ی ویراسته‌ی بیت در نسخه‌های شاهنامه (داستان رستم و اسفندیار) چنین است:

جهان یادگارست و ما رفتنی

به گیتی نماند به‌جز مردمی  
۲- به این دست‌خط، «نان بانموجی»، به معنی خط «مردمان بیگانه‌ی جنوبی» می‌گفتند.

۳- دودمان سونگ (چینی: 宋朝) یکی از دودمان‌های فرمانروای چین بود که میان سال‌های ۹۶۰ تا ۱۲۷۹ بر چین فرمان می‌راند.

۴- بزرگ پور شهریار رامهرمزی، دریانورد ایرانی بود که در نیمه‌ی نخست سده‌ی چهارم پس از اسلام، مجموعه‌ای از داستان‌ها و افسانه‌های ناخدايان و دریانوردان و تاجران در اقیانوس هند را در کتابی به نام «عجایب‌الهند بر و بحر و الجزیره» گردآوری کرد.

یاری‌نامه:

Ogino, Minahiko (1983-06-20), "Washibun" document and Keisei Katsutsukibō", Ancient Document Research, Japanese Society of Archeology (21): 53-59

Haneda, Toru, (1910), "A study on the history of Japan", Lectures on History Studies, Toyama Fusa (3): 149-166

Haneda, Toru, (1958), "On the Japanese sentences transmitted to Japan", Haneda Ph.D. Meeting, pp. 206-214, doi:10.20676/00000267-(Haneda 1910) reprint. The decryption contents have been greatly modified.

دست‌نوشته‌ی پارسی در ژاپن